

هر که به نیکی عمل آغاز کرد نیکی او روی بدو باز کرد (نظامی)

جان دیویی در سال ۱۸۵۹ (سالی که کتاب اصل انواع چارلز داروین منتشر شد) در ایالت ورمونت آمریکا دیده به جهان گشود. بینش اجتماعی و اخلاقی دیویی را تربیت مذهبی وی به عنوان عضو فرقه پروتستان مجمع گراتین بخشید. دیویی در طول خدمت خود در دانشگاه شیکاگو، «مدرسه آزمايشگاه» را تاسیس و مدیریت کرد. در این مدرسه، روش فعالیت متضمن بازی، سازندگی، مطالعه طبیعت و ابراز وجود بود (گونه‌ای از مدرسه تجربی).

کلیدواژه‌ها

تعلیم و تربیت، فلسفه تربیت، یادگیری مسئله‌محور

* عمل‌گرایی یا اصالت عمل *

چارلز اس. پارس، ویلیام جیمز، جورج هربرت مید و جان دیویی ایده‌ها را بر پایه پیامدهای آن‌ها در عمل قضاوت می‌کردند. جان دیویی را پدر آموزش و پرورش پیشرو خوانده‌اند. بخشی از آثار مکتوب ایشان عبارت‌اند از: تجربه و تعلیم و تربیت، دموکراسی و آموزش و پرورش، هنر به عنوان تجربه، مدرسه و اجتماع، کودک و برنامه درسی، چگونه می‌اندیشیم، رغبت و تلاش در آموزش و پرورش، آزادی و فرهنگ، طبیعت و سلوک انسانی (تجربه و طبیعت) و طلب یقین.

* برگزیدان از سخنان دیویی *

تصور مبنایی مدرسه، آزمايشگاه بودن آن است... همانند هر آزمايشگاه دیگری، این آزمايشگاه دو هدف عمده دارد:

۱. عرضه، آزمايش، حقیقت‌یابی و نقادی گزاره‌ها و اصول نظری؛
 ۲. افزودن به مجموعه واقعیت‌ها و اصول در حیطه تخصصی خود.
- زندگی اجتماعی ساده‌شده (مدرسه) باید در مقیاسی کوچک، به‌طور کلی فعالیت‌هایی را که برای زندگی بنیادی هستند، فراهم کند.
- روش فلسفی همانند روش علمی وجه آزمايشی دارد (تفکر جنبه آزمايشی دارد).

آموزش و پرورش حقیقی در محیط باز یا مردم‌سالارانه (دموکراتیک) به‌طور مؤثرتری جریان پیدا می‌کند؛ محیطی که از مطلق‌ها که مانع آزادی پژوهش می‌شوند، فارغ است.

تفکر اصیل موقعی تحقق می‌یابد که فرد با مشکلات روبه‌رو شود و بر اساس روش علمی به حل آن‌ها بپردازد.

آموزش و پرورش دو بعد دارد: محافظه‌کاری (انتقال میراث فرهنگی و تداوم فرهنگی) و بازسازی (تجدید حیات).

کنش‌های سه‌گانه مدرسه عبارت‌اند از: ساده کردن، پالودن^۲ و متعادل کردن.

هدف انحصاری آموزش و پرورش، رشد یا همانا بازسازی تجربه^۳ است، به‌گونه‌ای که به هدایت و تنظیم تجربه‌های بعدی بینجامد.

اگر هدف‌ها و غایت‌های تعلیم و تربیت در قالب زندگی جاری کودک قرار می‌گرفت، احتمال اینکه کودک به یادگیری مواد برنامه علاقه نشان دهد، بیشتر بود، زیرا در آن حال برنامه برای او به صورت وسیله لازم می‌گردد. نیل به هدف‌های مورد قبول در می‌آید. پیوسته رابطه میان وسایل و غایت‌ها را مدنظر داشته باشیم. علم و عمل نباید جدا باشند.

تعلیم و تربیت ضرورت زندگی است

تعلیم و تربیت به مثابه کنش اجتماعی است

تعلیم و تربیت به مثابه راهنمایی است

تعلیم و تربیت به مثابه راه‌نمایی است

تعلیم و تربیت به مثابه رشد است

اگر هدف‌های تربیتی بر فعالیت‌های واقعی زندگی مبتنی باشند، مانند خودزندگی متعدد و متنوع خواهند بود.

تنها هدف اساسی تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت بیشتر است. بدین طریق، هدف فرایند آموزش و پرورش یک چیز می‌شود. پس تجربه تربیتی تجدیدنظر مداوم در اقدام‌ها و کارهای کودک است که در پرتو نتیجه تجربه‌های گذشته او صورت می‌گیرد. همین تجدیدنظر مداوم در فرایند تربیتی است که آن را امری مترقی می‌سازد و همین امر است که دیویی را پیشرو و نهضت تعلیم و تربیتی مترقی کرده است.

اجتماع خوب آن است که در آن حد اعلای تجربه مشترک، نه تنها بین افراد متعلق به همان اجتماع، بلکه بین اعضای آن و اعضای سایر جامعه‌ها موجود باشد. شکل اجتماعی که به نظر دیویی به بهترین وجه این صفت‌ها را داراست، مردم‌سالاری (دموکراسی) است.

* مبناهای فلسفی *

مبناهای فلسفی جان دیویی بدین شرح هستند:

۱. معرفت‌شناسی آزمايش گرایانه؛
۲. هنر کامل تفکر؛
۳. اندامگان (ارگانسیم) و محیط زیست؛
۴. رد مطلق‌های متافیزیک؛
۵. ارزش‌شناسی به‌عنوان ارزش‌گذاری آزمايشی؛
۶. اندیشه و عمل.

عمل‌گرایی

پیش

* چهار ویژگی تعلیم و تربیت از نگاه دیویی

- تعلیم و تربیت ضرورت زندگی است.
 - تعلیم و تربیت به مثابه کنش اجتماعی است.
 - تعلیم و تربیت به مثابه راهنمایی است.
 - تعلیم و تربیت به مثابه رشد است.
دیویی بر ماهیت تعاونی تجربه مشترک انسانی تأکید می‌کند. برای او آموزش و پرورش اصلاً اقدامی اجتماعی و مظهر تبادل و مبادله افکار در زمینه تجربه است. معذک تبادل و مبادله افکار در تجربه بسته به اینکه، صورت تعلیم و تربیت واقعی یا تنها صورت دست پرورده کردن جوانان داشته باشد، کاملاً متفاوت است.

به نظر دیویی اولین ملاک تشخیص یک هدف تعلیم و تربیتی معتبر آن است که زاینده فعالیت‌های فعلی و جاری باشد. ملاک دیگر هدف در نظر او، انعطاف پذیری است. چون تعیین هدف نوعی پیش دستی نسبت به

آینده است و آینده محاط در ناپایداری است.

نشانه‌های یک برنامه خوب در نگاه دیویی آن است که؛ با مقاصد تجربیات شخصی کودک رابطه مستقیم داشته باشد، کودک با عمل کردن روی برنامه، نسبت به تجربه اش دید روشن تری پیدا کند (بر اساس کارآمدی آن ارزشیابی می‌کنند).

در نظریه یادگیری مسئله محور دیویی، معلم به عنوان تکیه گاه به جای کارگردانی یادگیری او را هدایت می‌کند.

تجربه به عنوان عمل و آزمایش کلید و عامل اصلی درک حقیقت و طبیعت عالم واقع است. تجربه معادل آزمایش و معرفت است. تفکر جنبه آزمایشی دارد و هوش توانایی حل مسئله است.

هدف آموزش و پرورش در مدرسه دیویی، آن بود که کودک را در حل مشکلات و مسائلی که در جریان

زندگی روزمره و در محیط طبیعی اجتماعی خاص خود با آن‌ها مواجه می‌شود، کمک نماید.

به باور دیویی مدرسه و محیط اجتماعی آن، محلی است برای تمرین عملی زندگی اجتماعی. از این جهت مدرسه باید تا آنجا که ممکن است شبیه زندگی واقعی و عناصر آن باشد. مدرسه در واقع همان زندگی اجتماعی در مقیاسی کوچک تر است اما با عناصر واقعی و آزمون پذیر بودن یعنی قابلیت تمرین و تکرار و بازسازی تجربه ها. او برای مدرسه صفاتی قائل شده است که این صفات می‌توانند فرد را برای ورود مؤثر در اجتماع بزرگ تر موفق بدارند. ساده سازی تجارب مدرسه‌ای به میزانی که برای متربی قابل درک و فهم بوده و ظرفیت تجربه کردن را در او برانگیزد. پالودن به معنای کم کردن و حذف عوارض منفی از محیط مدرسه و تجربه اندوزی متربی. هم چنین متعادل ساختن جنبه های مختلف رشد در مدرسه. او تعلیم و تربیت را یک ضرورت انکار ناپذیر پنداشته و می‌گوید مدرسه با فراهم آوردن زمینه بازسازی تجارب محیطی همسان با زندگی واقعی، کنش اجتماعی متربیان را سامان داده و مجال رشد را برایشان رقم می‌زند. عمل و فعل متربی مرکز ثقل عقاید اوست. متربی باید عمل کند و تجربه بیندوزد تا از این رهگذر (آزمایش و تجربه اندوزی) به حل مسائل ناآل آید.

حل مسئله ای که در نگاه او همان هوش است، هوشی که توانایی برون رفت از مشکلات را به وجود می‌آورد. دیویی نقش و کسوت معلم را راهبری و هدایت گری می‌داند، در نگاه او معلمان و مربیان باید تکیه گاه و دار بست های یادگیری و آموختن باشند.

دکتر عبدالامیر گیلک
پژوهشگر تعلیم و تربیت

پی‌نوشت‌ها

1. Laboratory school
2. Pragmatism
3. Purify
4. Reconstruction of experience
5. Resource person
6. Directing

منابع

1. آموزگار، محمدحسن (۱۳۷۹). فلسفه و مکتب‌های تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
2. گونک، جرال، آل (۱۳۸۲). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. ترجمه دکتر محمدجعفر پاکسرشت. سمت. تهران.
3. شاتو، ژان (۱۳۷۶). مربیان بزرگ. ترجمه غلامحسین شکوهی. دانشگاه تهران. تهران.